

گفتمان‌های کلان اثرگذار بر فرایند قانونگذاری کیفری

سکینه خانعلی‌پور واجارگاه* و جلیل محبی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۲۶

پرسش‌های بسیاری درخصوص چگونگی شکل‌گیری قانون کیفری، به‌عنوان قانونی اثربخش و اثرپذیر مطرح می‌شود که مانند هر قانون دیگری حاصل تعارضات و تعاملات است. حال آنکه اطلاعات چندانی درخصوص شیوه شکل‌گیری و پیدایش آن به چشم نمی‌خورد.

این مطالعه که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که چه گفتمان‌هایی و به چه ترتیب در فرایند ایجاد قانون کیفری نقش ایفا می‌کنند؟ فرضیه مورد نظر این است که «گفتمان‌ها یا به‌عنوان گفتمانی مستقل در این فرایند حضور دارند یا زمینه را برای نقش‌آفرینی سایر گفتمان‌ها فراهم می‌آورند».

یافته‌ها حاکی از این است که خلق قانون نیازمند طی مراحل طی است که می‌توان از آن به فرایند ایجاد قانون، تعبیر کرد. مطالعات نشان می‌دهد که گفتمان‌های کلان موجود در این فرایند در دو دسته گفتمان اصلی و زمینه‌ای قابل‌شناسایی است؛ گفتمان‌های اصلی عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی و اقتصادی. گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز ذیل گفتمان زمینه‌ای قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی، تأثیر گفتمان‌ها با توجه به نقش و تأثیر آنها در ایجاد قانون و عملکردی که در این فرایند دارند از یک منظر به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم و از منظر دیگر به گفتمان‌های اصلی و زمینه‌ای دسته‌بندی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان؛ قانونگذاری؛ گفتمان‌های کلان؛ فرایند قانونگذاری کیفری؛ گفتمان اصلی؛ گفتمان زمینه‌ای

* دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

Email: kxanalipoor13@gmail.com

** عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

Email: j.mohebi@majles.ir

مقدمه

قوانین کیفری به منظور اثرگذاری بر جسم و جان و محدوده‌های رفتاری ناظر بر زندگی اشخاص وضع می‌شوند. این قوانین با توجه به ارکان و اصول پایدار آن، درصدد انتظام بخشی به ارتباطات و گاه کنش‌ها و برخوردها در جامعه هستند. این روابط که در حقوق کیفری منشأ اثر و مورد توجه قرار می‌گیرند، نه به مثابه ارتباط میان دو انسان عادی در جامعه، بلکه بیانگر ارتباطاتی است که یک سوی آن معمولاً هنجار قانونی ضمانت‌اجرا داری را نقض کرده است. قانون کیفری با توجه به این مسائل، حیات پیدا می‌کند و به جامعه تزریق می‌شود.

اما پرسش‌های بسیاری در خصوص چگونگی شکل‌گیری قانون کیفری، به عنوان قانونی اثربخش و اثرپذیر مطرح می‌شود که مانند هر قانون دیگری حاصل تعارضات و تعاملات است. قانونی که از سویی، خصوصی و از سویی، عمومی است، از سویی خشن و از سویی انسانی‌ترین است. از سویی، آشتی‌دهنده (میانجیگر) و از سویی دیگر، سرکوبگر (اجرای مجازات) است.

این تعارضات ظاهری منشأ بروز پرسش‌های بیشتری می‌شود: این قانون تحت تأثیر چه عواملی پا به عرصه حیات می‌گذارد و چگونه قانونی، کیفری می‌شود؟ چگونه رفتاری که گاه می‌توان آن را در حد هنجارهای اجتماعی غیررسمی حفظ کرد، از گفتمان غیررسمی رایج در جامعه به گفتمان رسمی ضمانت‌اجرا دار تبدیل می‌شود؟ آیا ابقای آن، به عنوان و در قالب گفتمان غیررسمی نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف مورد نظر باشد؟ چه گفتمان‌هایی در قالب یک قانون متبلور می‌شوند؟ چه گفتمان‌هایی بر فرایند این تبدیل اثر گذارند؟ چه گفتمان‌هایی در رقابت با یکدیگر پیروز شده یا به عبارتی کدامین گفتمان‌ها در راه رسیدن به قانون شکست می‌خورند و چرا؟

نگاهی به ادبیات موجود نشان می‌دهد که اطلاعات چندانی در خصوص شیوه شکل‌گیری و پیدایش قانون وجود ندارد. به‌طور کلی شیوه تولد و پیدایش و منشأ سیاست کیفری که قانون کیفری برشی از آن است نیز به‌درستی و به‌دقت واکاوی نشده است. نخستین فردی که به این غفلت اشاره کرد، دانشمند حوزه علوم سیاسی کانادایی، پیتر

سلمون^۱ بود. از منظر وی، بدون مطالعه فرایند سیاستگذاری کیفری نمی‌توان به درک درستی از چگونگی تغییر فرایند سیاسی دست یافت.^۲ به‌علاوه محدودیت‌های موجود در بیان مطالبات و میزان تأثیر نقش آفرینان بر جنبش‌های مختلف کیفری تنها از طریق تحلیل چنین فرایندی حاصل می‌شود.

بررسی چگونگی وضع قوانین، به‌طور کلی و نه فقط قوانین کیفری، بیانگر کنشگری گروه‌های بسیاری در این فرایند است. این گروه‌ها در عین دادوستد و تعامل با یکدیگر، ناخودآگاه به رقابت با هم نیز می‌پردازند. اما آنچه اهمیت توجه به این مقولات در قوانین کیفری را برجسته‌تر می‌کند، بیم نقض حقوق اشخاص به بهانه اعمال حاکمیت در راستای تأمین نظم اجتماعی است. در این فرایند هر گروهی در نتیجه ائتلاف‌های حاصله مطالباتی را مطرح می‌کند که عاملی برای بروز تعارض و چالش با سایر گروه‌هاست. در واقع، گروه‌های مختلف، هریک نماینده گفتمانی هستند که برای خود مطالبات مشخصی دارند و بر پایه آن وارد عرصه قانونگذاری شده‌اند.

مفهوم گفتمان به‌عنوان نقطه اتکای این نوشتار، اگرچه مبهم و دشوار، اما در مطالعه اقدامات تعاملی در نهادهایی چون مجلس، محوری است. دیدگاه‌های رایج گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «زبانی^۴ که در ارتباط با اشکال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شود و منعکس‌کننده نظم اجتماعی^۵ است اما، خود نیز به نظم اجتماعی و تعامل افراد با اجتماع^۶ شکل می‌دهد».^۷ این تعریف، به‌طور خاصی می‌تواند تبیین‌گر گفتمان مجلس باشد که در آن مذاکرات سیاسی و دسته‌بندی جناح‌های سیاسی از این طریق مدیریت می‌شوند.

1. Peter Solomon

۲. امروز، به‌رغم افزایش یا تمایل به رصد اقدام‌های نهادهای قانونگذاری، اندیشمندان چندان توجهی به گفتمان‌های موجود ندارند. هرچند انتشار مذاکرات مجلس و گزارش منظم آن بر این بینش تأثیر مثبتی داشته است. پژوهش‌ها در سایر کشورها نیز حاکی از این است که انتشار مباحث مجلس و گزارش منظم آنها توسط رسانه‌ها بر این جریان تأثیر گذاشته است. در خصوص این تأثیر در کشور انگلستان نک: Ilie, 2006: 188-190.

3. Ismaili, 2006: 255.

4. Language

5. Social Order

6. Society

7. Jaworski, 2006: 3.

بنا به گفته پل ساباتیه^۱ فهم فرایند ایجاد سیاست مستلزم نگاه به اجتماع سیاسی بین دولتی^۲ یا نظامی مرکب از دیوانسالاران،^۳ کارمندان عادی قوه قانونگذاری،^۴ رهبران گروه‌های ذی‌نفع، پژوهشگران و گزارشگران متخصص در این حوزه است.^۵ به این ترتیب، تمرکز بر نهادهای خاص و منحصر نمی‌تواند به فهم این فرایند یاری رساند.

گفتمان‌ها نه تنها در فرایند وضع قانون و جرم‌انگاری مؤثرند، درخصوص وصف گذاری رفتارهای خاص نیز نقش ایفا می‌کنند. انتساب رفتار خاصی به عنوان بزه اداری/ انضباطی یا بزه کیفری خود می‌تواند ناشی از این چانه‌زنی‌ها و تلاش‌ها باشد. بی‌شک در این موارد با توجه به غلبه هریک از این گفتمان‌ها گونه کیفرگذاری و شیوه اجرای کیفر متفاوت خواهد بود. به این ترتیب، گفتمان در فرایند قانونگذاری کیفری «مجموعه‌ای از خواسته‌ها و مطالباتی است که گروه‌هایی براساس اهداف یا ارزش‌های قرار داده شده برای خود مطرح می‌کنند. این ارزش‌ها و اهداف می‌تواند ناشی از منافع یا مصالح یا باورهای آنان باشد که برای دستیابی به آنها تلاش می‌کنند. این امر کمک می‌کند تا بتوانند بر فرایند قانونگذاری مؤثر باشند تا به صورت کلی یا جزئی، قانون مورد تصویب، اهداف آنها را محقق کند یا پاسدار ارزش‌های آنان باشد».

منظور از فرایند قانونگذاری یا فرایند ایجاد قانون مراحل مختلفی است که از زمان ارائه پیشنهاد از سوی نهادهای ذی‌ربط آغاز و با تصمیم نهایی قوه قانونگذاری پایان می‌یابد که کنشگرانی مانند سیاستمداران، گروه‌های حرفه‌ای و عمومی در این میان دخیل هستند. این مطالعه درصدد پاسخ به این پرسش است که چه گفتمان‌های کلانی و به چه ترتیب در فرایند ایجاد قانون کیفری نقش ایفا می‌کنند؟ فرضیه مورد نظر این است که «گفتمان‌های کلان یا به عنوان گفتمانی مستقل در این فرایند حضور دارند یا زمینه را برای نقش آفرینی سایر گفتمان‌ها فراهم می‌آورند».

فهم سیر تکامل یک موضوع و تغییر آن و عناصری که آن را شکل می‌دهند، همواره مستلزم توجه خاصی به فرایند ایجاد آن و همچنین کنشگران دخیل در آن است. درک فرایند قانونگذاری

1. Paul Sabatier
 2. Intergovernmental Policy Community
 3. Bureaucrats
 4. Legislative Personnel
 5. Ismaili, 2006: 259.

کیفری و دریافت گفتمان‌های مؤثر بر آن نیز نیازمند فهم این روند و توجه به گفتمان‌های شکل گرفته در این جریان و بازیگرانی است که این گفتمان‌ها را ایجاد و هدایت می‌کنند. هرچند خود این گفتمان‌ها نیز بر ایند نیروهای مختلفی هستند که قانون و حقوق را تشکیل می‌دهند.^۱

بررسی مجالس قانونگذاری و متصدیان تنظیم پیش‌نویس‌های اولیه قانون نشان می‌دهد که در تنظیم این قوانین چندین نوع گفتمان با ارتباطات خاص در کنار یکدیگر قرار دارند. نگاهی به این گفتمان‌ها حاکی از این است که برخی از آنها، گفتمان‌های ثابتی هستند که همواره در همه دوره‌ها وجود دارند، هرچند اهمیت هریک در دوره‌های مختلف، با توجه به میزان توجه و نیازهای اجتماع متفاوت بوده است که با عنوان گفتمان‌های کلان معرفی می‌شوند. آنچه که آنها را به گفتمان‌های کلان تبدیل می‌کند، دیدگاه همه‌جانبه‌نگر و اثرگذار بر کلیت جامعه است. گفتمان‌هایی که به تعبیری، عرصه‌های کلان را به خود اختصاص می‌دهند. از گفتمان‌هایی که در فرایندهای قانونگذاری در این دسته قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی که به نوعی گفتمان‌های فراقانونی هستند.^۲

به این ترتیب، فرایند قانونگذاری متغیر وابسته‌ای است که از متغیرهای مستقل چندی تشکیل شده که خود می‌توانند متغیرهای وابسته‌ای برای سایر متغیرها باشند. اگرچه، گفتمان‌های بسیاری می‌توانند در دسته‌بندی‌های مختلف در این فرایند شناسایی شوند اما در این مطالعه تمرکز بر گفتمان‌های کلانی است که در این عرصه نقش آفرینی می‌کنند. بر این اساس، نخست گفتمان‌های کلان اصلی دخیل در این فرایند و سپس گفتمان‌های کلان زمینه‌ای مطالعه می‌شوند.

۱. گفتمان‌های اصلی در فرایند قانونگذاری کیفی: گفتمان‌های خط مقدم

منظور از گفتمان اصلی گفتمان‌هایی هستند که به طور رسمی شناخته شده‌اند و می‌توان از آنها به عنوان گفتمان‌هایی یاد کرد که کرسی‌ها و نمایندگان مشخصی دارند که در

۱. درخصوص نیروهای تشکیل‌دهنده حقوق و قانون نک: کاتوزیان، ۱۳۹۴ و صانعی، ۱۳۸۹.

۲. به نظر جونز «بازی‌های سیاسی»، «الزامات اقتصادی»، «ساختارهای اجتماعی»، «حساسیت‌های فرهنگی» و «ریشه‌های مذهبی»، ارکان مهمی برای بدعت‌های کیفی، شکل دادن به قانون، پیش‌بینی مجازات و ... محسوب می‌شوند

بازی‌های گفتمانی شرکت کرده و قدرت چانه‌زنی پیدا می‌کنند. قسمتی از این قدرت ناشی از موقعیت بازیگران آن (گفتمان سیاسی) و قسمتی دیگر ناشی از اهمیت موضوعات آنهاست (گفتمان اقتصادی). بنا به همین دلایل، می‌توانند در بازی‌های گفتمانی نقش آفرینی کنند. نقش دیگر این گفتمان‌ها این است که حامل مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای هستند. بر این اساس، از سویی گفتمانی مستقل محسوب می‌شوند که بیانگر مطالبات خود می‌باشند و از سوی دیگر نقش واسطه‌گری را برای گفتمان‌های زمینه‌ای ایفا می‌کنند.

۱-۱. گفتمان سیاسی: گفتمان بازیگران قدرت

گروه‌ها و جناح‌های سیاسی کنشگران برجسته عرصه قانونگذاری کیفری هستند. این اشخاص در فرایند ایجاد قانون، گفتمان ویژه خود را به همراه دارند که از آن به گفتمان سیاسی تعبیر می‌شود. نمایندگان این گفتمان برای رسیدن به منظور خود دست به چانه‌زنی‌های سیاسی می‌زنند. اهمیت این گفتمان از آن روست که به نظر می‌رسد سایر گفتمان‌ها نیز برای آنکه بتوانند در فرایند ایجاد قانون نقش آفرینی کنند، ناگزیر از قرار گرفتن ذیل یک گفتمان سیاسی هستند؛ زیرا برخلاف برخی از گفتمان‌ها، در آن کنشگران و نمایندگان مشخصی حضور دارند. احزاب و نمایندگان آنها که در نتیجه انتخابات به کرسی‌های مجلس دست می‌یابند یا سایر مقامات انتخابی، کنشگران اصلی این گفتمان هستند. در واقع، عمده کنشگران این حوزه را سیاستمدارانی انتخابی تشکیل می‌دهند که در ایجاد سیاست بانفوذند و در هر کشوری بنابر نظام سیاسی حاکم در ردای عناوین مختلفی می‌گنجند.^۱

نقش این گفتمان در کشورهایی که احزاب در آنها به‌طور سازمان‌یافته فعالیت می‌کنند، نمود بارزتری دارد. در چنین نظام‌هایی احزابی که بر سر کار می‌آیند و نمایندگان آنها کرسی‌های بیشتری را در مجالس قانونگذاری به خود اختصاص می‌دهند و می‌توانند بر جریان قانونگذاری تأثیرگذارتر باشند. برای مثال، پژوهشی در اروپا درخصوص ارزیابی گفتمان‌ها و اقدامات درباره تسامح یا سخت‌گیری نسبت به مهاجران نشان داد که در

۱. البته برخی در کنار مقامات رسمی، سخنگویان منافع اجتماعی و متخصصان سیاست را نیز ذیل اصطلاح گفتمان سیاسی قرار می‌دهند (Hall, 1993: 289) که به نظر می‌رسد، با توجه به نقش آنها و جایگاه تعریف شده مقامات رسمی در این فرایند می‌توان آنها را نمایندگان برای گفتمان‌های حرفه‌ای قرار داد که از بحث این نوشتار خارج است.

کشورهای اروپایی شیوه چینش و نتیجه انتخابات بر این دو رویکرد نسبت به مهاجران و گروه‌های اقلیت مؤثر است.

براساس یافته‌های این پژوهش، تعلق اکثریت اعضای مجلس یا سایر مقامات مانند رئیس دولت به حزب راست یا چپ و سیاست‌های این احزاب در خصوص مسئله مورد نظر، نوع و کیفیت قوانین در حمایت یا عدم حمایت از گروه‌های مهاجر را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، اگر حزب مخالف مهاجرت در انتخابات پیروز شود، احتمال اینکه توجه و حمایت کمتری به گروه‌های اقلیت شود، بالا می‌رود و تسامح بیشتری نسبت به جریانات ضد مهاجرت از خود نشان می‌دهد. همچنین، شواهد نشان می‌دهد که این احزاب با اعمال محدودیت در سیاست‌های مهاجرت، اخراج و تبعیض نژادی و یا رویکردهای سخت‌گیرانه‌ای که توسط دولتمردان و سیاستمداران جریان حاکم در کشور غالب می‌شود، به‌طور مستقیم بر طرق مهاجرت، مسائل مربوط به اقلیت‌ها و گروه‌های خاص مؤثرند.^۱

حتی دیدگاه‌های سیاسی می‌تواند زمینه مناسبی فراهم کند تا گروه‌های سیاسی صرف نظر از واقعیات موجود، براساس ایدئولوژی خود وجود قوانینی را توجیه و بر تصویب آن اصرار ورزند؛ اتفاقی که در جریان تصویب قوانین سخت‌گیرانه در آمریکا رخ داد. محافظه‌کاران در آمریکا تقریباً تمامی شواهد علمی علیه چنین قوانینی را نادیده گرفتند و دیدگاه مشهور به سخت‌گیری نسبت به جرم را شکل دادند. به بیان برخی، آنان به‌هیچ‌وجه نگران امنیت جامعه نبودند؛ بلکه تنها به منافع سیاسی‌شان که از «تقبیح نمادین جرم» به‌دست می‌آمد، اهمیت می‌دادند.^۲ به‌واقع، از چالش‌های اصلی گفتمان سیاسی، قدرت چانه‌زنی و نفوذ آن از طریق نمایندگان و کنشگرانش است که می‌تواند به راحتی قوانین را از مسیر علمی و واقعی خود دور کرده و آن را گرفتار سیاست‌بازی‌های خود کند. از این‌رو، گاه قوانینی تصویب می‌شوند که نه حاکی از نیاز جامعه و نه چالشی برای آینده بوده است. اگرچه این گفتمان به‌دلیل اهمیت دیدگاه عموم از هیچ تلاشی برای همراه کردن اجتماع با خود دریغ نمی‌ورزد.

1. Burchianti and Zapata-Barrero, 2013: 30.

2. Crepault, 2013: 75.

البته از این واقعیت نباید چشم پوشید که در برخی موارد بازیگران این گفتمان، در کنار بهبود یا افزایش منافعشان به حل مشکلات نیز توجه دارند. اتفاقی که در سال‌های ۱۹۷۰ در خصوص حل مشکلات اقتصادی و شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی در کشور انگلستان افتاد.^۱ هرچند به نظر می‌رسد که معمولاً «اعمال قدرت»^۲ و «حل مشکل»^۳ با هم و در کنار هم رخ می‌دهند و گاه به‌سختی می‌توان میان این دو تمایز قائل شد. بر این اساس، تنها منافع نیست که افراد را به پای میز مذاکره می‌کشاند، بلکه گاه دغدغه نیز محرکی قوی است. بدین ترتیب، انگیزه گاه به‌دست آوردن منفعت یا تسهیل در رسیدن به آن است و گاهی رفع دغدغه‌هایی است که وجود دارد. از این رو، باید در کنار «تعارض منافع» از «تفاوت دغدغه‌ها» نیز سخن گفت.

بر همین اساس، مطالعات حوزه سیاست، دو مدل سیاست را از هم تمییز می‌دهند: سیاست قدرت‌محور^۴ و سیاست ایده/باورمدار.^۵ اما به‌طور کلی گفتمان سیاسی از ترتیب خاصی برخوردار است که به برخی از منافع اجتماعی بیشتر از دیگر منافع مشروعیت می‌بخشد. در واقع، از ویژگی‌های پایدار سیاست، کشمکش برای به‌دست آوردن مزیت با گفتمان ترجیح داده شده برای اعمال نفوذ در مواردی است که موجب تغییر گفتمان سیاسی می‌شود.^۶ این همان چیزی است که موجب شده برخی، گفتمان‌های سیاسی را تحت تأثیر منافع سازمان‌یافته‌ای بدانند.^۷

در این میان، پرسش مهم این است که سیاستمداران چه وقت درگیر جریان قانونگذاری می‌شوند؟ و در این جریان بیشتر تحت تأثیر چه چیز(هایی) قرار می‌گیرند؟ به نظر می‌رسد بازیگران سیاسی هنگامی وارد صحنه می‌شوند که نگرانی عمومی ایجاد شده باشد. آنان بیش از هر چیز به نگرانی‌های مردم توجه دارند.^۸ هرچند عمر این

1. Hall, 1993: 289.

2. Powering

3. Puzzling

4. Power-based Model

5. Ideas-based Model

6. Hall, 1993: 289-290.

7. Blyth, 2012: 3.

8. Solomon, 2014: 34.

توجه معمولاً کوتاه است و پس از مدتی فراموش می‌شود تا آنکه مشکل جدیدی بروز کند. درواقع، واکنش آنها به مسائل و نگرانی‌های عمومی، واکنشی سیاسی برای همراهی عموم با خود است. البته، همان‌طور که گارلند به آن اشاره می‌کند، میان رفتار و گفتمان سیاستمداران انتخابی و انتصابی تمایز وجود دارد. به اعتقاد وی، گفتمان سیاستمداران انتخابی به سمت مطالبات عوام است، حال آنکه مقامات انتصابی به پیگیری عقلانی و مؤثر اهداف سیاسی توجه دارند.^۱

قدرت بازیگران این گفتمان، موجب می‌شود تا فرایندها و تصمیمات آتی بر مبنای چارچوب‌های تعیین شده از سوی آنان شکل گیرد. درواقع، در فرایند قانونگذاری کیفی، کنشگران سیاسی ضعیف‌تر به نوعی پیرو کنشگران قوی‌تر هستند. نمونه روشن این پیروی را می‌توان در تأثیر سیاستگذاران کلان بر قانونگذاران مشاهده کرد. همین امر موجب شده است که منشأهای قانونگذاری، سیاست‌های کلی باشد که از سوی نهادهای سیاستگذار تعیین و اعلام می‌شود. در ایران قوانینی که پس از اعلام سیاست‌های کلی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده‌اند، در همین چارچوب قابل تحلیل‌اند؛ مثال بارز آن، تصویب «قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» است که پس از ابلاغ «سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تنظیم و تصویب شد.^۲

این مناقشات ما را به این نتیجه می‌رساند که به‌واقع بنا به تعریف ساندرز و یانگ، عدالت کیفی «یک نهاد اجتماعی پیچیده متأثر از سیاست» است (هژبرالساداتی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۱)؛ چراکه مهمترین بازیگران این فرایند، سیاستمدارانی هستند که قدرت چانه‌زنی و دخالت خود را از قانون وام گرفته‌اند. از این جهت، گفتمان سیاسی به‌عنوان یکی از مهمترین گفتمان‌های کلان همواره در همه کشورها و دوره‌ها نقش پررنگی در فرایند ایجاد قوانین کیفی ایفا می‌کرده است. این گفتمان با وجود کنشگران و

1. Garland, 1996: 456.

۲. در کشور صربستان، پس از آنکه دولت سیاست سالانه‌اش را اعلام می‌کند، دست‌اندر کاران امر قانونگذاری دست به تهیه پیش‌نویس‌ها می‌زنند (Law Drafting and Legislative Process in the Republic of Serbia, 2011: 70).

نمایندگان قدرتمند خود، اغلب به طور مستقیم بر این فرایند مؤثر است؛ به گونه‌ای که این تصور را ایجاد می‌کند که گفتمان سیاسی و نمایندگان آن، کنشگران اصلی این جریان هستند و نمایندگان سایر گفتمان‌ها باید در قالب یکی از نمایندگان سیاسی مطالبات خود را به این فرایند تزریق کنند.

در کنار گفتمان سیاسی با بازیگران قدرتمند خود، ذیل گفتمان‌های اصلی نمی‌توان از نقش و جایگاه گفتمان اقتصادی غافل شد. به‌ویژه آنکه این گفتمان در جهان اقتصادی امروز، از جهت ورود سریع‌تر اقتصاد نسبت به سیاست در فرایندهای جهانی، نقش بسزایی در بازی قدرت سیاستمداران ایفا می‌کند.

۲-۱. گفتمان اقتصادی: گفتمان موضوعات قدرتمند

گفتمان اقتصادی، به‌ویژه در سال‌های اخیر و با کارکردهای حیاتی که اقتصاد بر جامعه برجای می‌گذارد، از نفوذ بیشتری برخوردار شده است. این نفوذ را می‌توان در جرم‌انگاری در حوزه اقتصادی و شدت عمل در برخورد با رفتارهای مجرمانه این حوزه مشاهده کرد. نگاهی به قوانین کشورهای مختلف نشان می‌دهد که یکی از گونه‌های بزهکاری که به‌شدت با آن برخورد می‌شود، جرائم اقتصادی است. از دیگر نشانه‌های اهمیت این گفتمان را می‌توان در شعارهای انتخاباتی مبنی بر بهبود کیفیت اقتصاد ملاحظه کرد. حوزه تأثیر این گفتمان و اولویت منافع مدنظر این گفتمان، تا حدی است که گاه گفتمان‌های سیاسی به‌منظور افزودن بر قدرت خود به آن تمسک می‌جویند.

اهمیت این گفتمان از آن جهت برجسته می‌شود که عوامل اقتصادی از نیروهای سازنده حقوق و قانون شناخته می‌شوند که نمی‌توان بدون شناخت و توجه به آنها قانونگذاری کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۳). از حوزه‌هایی که گفتمان اقتصادی در ایجاد قوانین کیفری نفوذ بسیار داشته، جرم‌انگاری رفتارها در زمینه رفاه است که منشأ جرم‌انگاری‌های خاصی شده است،^۱ رفتارهایی که شاید تا چندی پیش می‌توانستند با

۱. در این خصوص می‌توان به جرائم حوزه رفاه عمومی اشاره کرد که از مصادیق بارز آن تقلب علیه خدمات رفاهی (Welfare Fraud) است که با عنوان جرم قابل تعقیب و مجازات است.

پاسخ‌هایی اداری و انضباطی روبه‌رو شوند. کشورهایی که از نظام رفاه برخوردارند، با کسانی که از طریق تقلب سعی در کسب مزیت‌های این نظام دارند، سخت‌گیرانه برخورد می‌کنند. نمود این سخت‌گیری بیشتر در قالب قطعیت در برخورد، خود را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این برخورد قاطع و بدون اغماض نتیجه مستقیم تأثیر گفتمان اقتصادی بر کیفی کردن پاسخ به نقض چنین مقرره‌ها یا تقلب نسبت به دستیابی اطلاعات یا امتیازات خاصی است. از این جهت، گفتمان حمایتی برای گروه‌های ناتوان جسمی و ذهنی با سخت‌گیری تشخیص افراد مشمول این حمایت‌ها و پیش‌بینی پاسخ‌های کیفی در تقابل قرار گرفته است.^۱ اگرچه، این سخت‌گیری خود می‌تواند نمود دیگری از حمایت گروه‌های آسیب‌پذیری باشد که باید از این پشتیبانی‌ها برخوردار شوند.

اقتصاددانان پا را از این نیز فراتر نهاده و قانونگذاری را فرایندی می‌دانند که از طریق آن باید هزینه‌های اجتماعی کاهش و سرعت حل و فصل اختلاف‌ها افزایش یابد. در غیر این صورت، تحمیل بار اقتصادی تصویب قوانین جدید توجیهی نخواهد داشت؛ زیرا فرایند قانونگذاری به مثابه کارکردی تولیدی است که هزینه‌های ثابت و متغیر خاص خود را به همراه دارد.^۲ به این ترتیب، هنگامی نطفه قانونی می‌تواند شکل گیرد که نظام قانونی کشوری به این نتیجه رسد که با تحمیل هزینه‌های ایجاد قانون، منافی را برای آینده ایجاد خواهد کرد. این منطبق اقتصادی به حدی از اهمیت برخوردار است که قوانین در صورتی تصویب می‌شوند که هزینه اضافی بر کشور تحمیل نکنند. همان‌گونه که مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنانچه پیشنهاد طرحی موجب افزایش هزینه شود، طریق آن نیز باید عنوان شود.^۳

نگاهی به حجم لوایح و طرح‌های رسیده که به مباحث و چالش‌های اقتصادی می‌پردازند،^۴

1. Tesemma, 2014, 121-147.

2. Parisi and Vincy, 2009: 12.

۳. اصل (۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد».

۴. شایان ذکر است که ۱۱ مورد از ۲۳ لایحه‌ای که در سال ۱۳۹۲ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، جنبه اقتصادی داشت.

نمود اهمیت و نفوذ این گفتمان و تأثیری است که در ایجاد قانون به منظور حفظ ارزش‌های اقتصادی داشته است. جای پای این گفتمان را به وضوح می‌توان در سیر قانونگذاری در حوزه کشاورزی در ایالات متحده آمریکا ملاحظه کرد. در دوره‌ای مسائلی چون مهاجرت از روستاها به شهرها و نیز مهاجرت افراد بسیاری از خارج از آمریکا به این کشور، این زنگ خطر را به صدا درآورد که میزان محصولات کشاورزی ممکن است پاسخگوی نیازهای کشور نباشد. این مسئله حتی بر منافع اقتصادی دولت نیز اثر گذاشت. از این رو، سعی شد تا شعارهایی از این دست ایجاد شود «کشاورزی بهتر، زندگی بهتر، شغل بهتر»^۱. در این راستا اقدامات قانونی نیز صورت گرفت تا افراد را به کشاورزی ترغیب کند. قانون اسمیت لور^۲ در سال ۱۹۱۴ حاصل چنین مناقشاتی بود. براساس این قانون، دولت فدرال بودجه خود را در حوزه ارائه خدمات کشاورزی گسترش داد. محرک تصویب قانون تنظیم کشاورزی^۳ نیز قابلیت اقتصادی شدن آن بود.^۴

این مسئله در انگلستان و دوره نخست‌وزیری خانم تاچر^۵ نیز قابل توجه است. براساس رویکردهای اقتصادی برگزیده در این حوزه از سوی وی، رویکردی ایجاد شد که به تاچریسم^۶ شهرت یافت. این تاچریسم اقتصادی تا حد بسیاری بر دیگر جنبه‌های دولت وی وی مانند روابط سیاسی، قانونگذاری و ... تأثیر گذاشت. از دیگر دوره‌هایی که می‌توان تأثیر گفتمان اقتصادی را در فرایندهای قانونگذاری در انگلستان مشاهده کرد، قوانین مصوب دوره الیزابت اول است. در این دوره بیشترین قوانین به حوزه اقتصاد اختصاص داده

1. Better Farming, Better Life, Better Business

2. The Smith-Lever Act, 1914

3. Agricultural Adjustment Act 1933

4. Dixon and Hapke, 2003: 146-147.

5. Margaret Thatcher

۶. دیدگاه ایدئولوژیک تاچر نسبت به لیبرالیسم، اقتصاد آزاد، فردگرایی و خصومت با هرگونه تئوری جمع‌گرایانه باعث شد تا رویکرد وی نسبت به سیاست، اقتصاد و فرهنگ به «تاچریسم» تعبیر شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاچریسم عبارت است از:

۱. کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی و حمایت از اقتصاد بازار آزاد،

۲. خصوصی‌سازی نهادهای اقتصادی دولت،

۳. بهره‌گیری از سیاست اقتصادی پولی مبتنی بر آرای فریدمن،

۴. کاهش مالیات‌های مستقیم و افزایش مالیات‌های غیرمستقیم و ... (اصطباری، ۱۳۸۶).

شده‌اند که بخشی از آنها ناشی از رویکرد دولت و برخی دیگر ناشی از فشار گروه‌های ذی‌نفع، به‌ویژه شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی بود که برای ایجاد تغییر در قوانین دست به لابی‌گری می‌زدند.^۱ موفقیت این گفتمان از آن‌روست که نگرانی‌های اقتصادی تأثیر بسزایی در رایزنی‌هایی دارد که حول تصویب یک قانون شکل می‌گیرند و از آنجا که معاش امری غیرقابل اغماض است به سادگی می‌تواند توجه عموم را نیز به خود جلب کند و از این منظر بازخوردهای عمومی پیدا کند.

از آثار بارز این گفتمان در جرم‌انگاری، رفتارهایی است که به اصول اقتصادی چون رقابت سالم خدشه وارد می‌کنند. به این منظور و برای برخورداری همگان از فعالیت اقتصادی سالم، جرم‌انگاری‌هایی ذیل عناوینی چون رقابت‌های مکارانه و جبهه‌همت کشورها و حتی برخی از نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت بین‌المللی قرار گرفته است. در ایران می‌توان به ماده (۶۶) قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲^۲ درخصوص حمایت از علائم تجاری در این زمینه اشاره کرد. مواردی از این دست، در پی تنظیم فرایند اقتصادی سالم و منع هرگونه رفتاری خارج از چارچوب‌های استاندارد هستند.

البته گاه مقاومت در جرم‌انگاری برخی از رفتارها را نیز باید ناشی از آثار این گفتمان دانست. عدم جرم‌انگاری رفتارهایی چون رانت‌خواری در ایران و نیز عدم اقبال نسبت به آن می‌تواند ناشی از لابی‌گری‌های مؤثر برخی نمایندگان قدرتمند این گفتمان باشد. حتی دشواری تصویب برخی از قوانین این حوزه نیز گاه ناشی از مقاومت نمایندگان این حوزه است.

به این ترتیب، گفتمان اقتصادی به‌عنوان گفتمانی اصلی، نقش فعالی در شکل‌گیری قوانین دارد. در حوزه حقوق کیفی این گفتمان، با حداکثری شدن دامنه جرم‌انگاری در

۱. در این خصوص نک:

<http://www.historyofparliamentonline.org/periods/tudors/elizabethan-social-and-economic-legislation>

۲. ماده (۶۶) قانون تجارت الکترونیک: «به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تشویق رقابت‌های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه (Domain Name) و یا هر نوع نمایش برخط (Online) علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید».

حوزه اقتصاد در مقایسه با سایر حوزه‌ها، قدرت خود را نشان می‌دهد. به علاوه، در قوانین اقتصادی دو عامل شدت مجازات‌ها و نیز قطعیت آنها خود از نتایج تأثیر گفتمان اقتصادی در قوانین کیفری است. به گونه‌ای که در حال حاضر براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر شدت عمل،^۱ شاهد ممنوعیت یا اعمال محدودیت در برخورداری از نهادهای ارفاقی در ارتباط با این دست جرائم هستیم.^۲

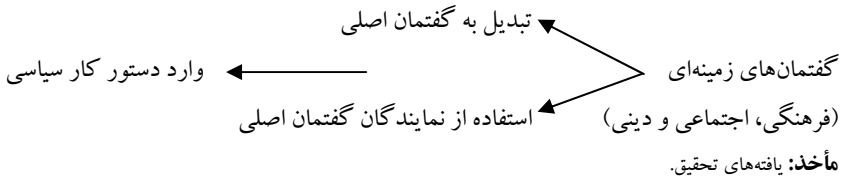
۲. گفتمان‌های زمینه‌ای در فرایند قانونگذاری کیفری

نیروهایی همچون دین، اخلاقیات و سنن اجتماعی در هر جامعه وجود دارند که در حفظ نظام موجود، بسیار مؤثرند و می‌توان قوانین را مولود آنها دانست. هر نظام حقوقی برای تأمین منافع خاص جامعه، اصول و قواعدی را برمی‌گزیند و بر آن اساس، دست به انتخاب می‌زند (صانعی، ۱۳۸۹: ۹۵). این نیروها نیز در کنار گفتمان اقتصادی و سیاسی به‌عنوان گفتمان‌های اصلی، منشأ اثر گفتمان‌هایی می‌شوند که زمینه را برای شکل‌گیری فرایند قانونگذاری فراهم می‌کنند. گفتمان زمینه‌ای برای اینکه بتواند در این فرایند دخالت کند یا باید مطالبات خود را در قالب گفتمان‌های اصلی مطرح کند یا از نمایندگان گفتمان‌های اصلی برای القای مطالبات خود بهره‌گیرد. این امر به موضوع مورد مطالبه و شیوه اثرگذاری بستگی دارد. هنگامی که مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای به‌طور ناخودآگاه از طریق نمایندگان گفتمان‌های اصلی القا می‌شود، این بازیگران، به نماینده‌ای برای گفتمان‌های زمینه‌ای تبدیل می‌شوند. اما این گفتمان‌ها برای تأثیرگذاری بیشتر، ابتدا به مطالبه یکی از گفتمان‌های اصلی تبدیل و از آن طریق وارد دستور کار می‌شوند. مهمترین گفتمان‌های زمینه‌ای قابل تشخیص و شناسایی در این فرایند عبارت‌اند از: گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی.

۱. در این خصوص تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی قابل توجه است.

۲. در این خصوص مواد (۴۷) و (۱۰۹) قانون مجازات اسلامی در ممنوعیت از برخورداری تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم و نیز شمول مرور زمان قابل توجه است.

شکل ۱. مجاری ورود مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای به دستور کار سیاسی



۱-۲. گفتمان فرهنگی: پاسداشت میراث‌ها

فرهنگ هر جامعه‌ای، از عوامل مهم شکل‌دهنده رفتار افراد و گروه‌هاست که بر مرحله تصمیم‌گیری مؤثر است. از عرصه‌های مهم تصمیم‌گیری در هر جامعه‌ای قانونگذاری است که ثمره آن در قالب قانون نمود می‌یابد. همان‌گونه که ساوینی آن را ناشی از نسل‌های پیاپی می‌داند که وجود داشته و سنن و آداب آنان قاعده حقوقی را به‌وجود آورده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۷)؛ زیرا هر جامعه‌ای انتظارات و ضوابط مخصوص به خود را دارد که طی قرن‌ها حیات اجتماعی پدید آمده و حقوق نیز از آنها نشئت گرفته و در حفظشان می‌کوشد (صانعی، ۱۳۸۹: ۹۶). از این‌رو، قانون محصول فرهنگی است که از طریق جامعه‌پذیری در بین نسل‌های مختلف حرکت کرده و انتقال یافته است. اگرچه این تأثیر اغلب مشهود و مستقیم نیست.

به نظر یکی از صاحب‌نظران، حقوق بیش از هر چیزی به فرهنگ نظر داشته است. به گونه‌ای که آن را از مستعمرات تقریباً کم‌قدرت در امپراتوری فرهنگ می‌داند.^۱ و از این جهت، فرهنگ زمینه اجتماعی اجتناب‌ناپذیری برای مسائل قانونی و عنصر پایه‌ای برای تعارضات سیاسی ایجاد می‌کند.

گفتمان فرهنگی از آن‌رو گفتمان زمینه‌ای محسوب می‌شود که گاه به‌طور غیرمحسوس بر یک جریان اثر می‌گذارد. گفتمان‌های زمینه‌ای مانند تاریخ یا فرهنگ اجتماع که قانون در آن زمینه تصویب و قرار است اجرا شود بسیار قوی عمل می‌کنند، حتی اگر به‌طور مستقل و مشهود نمایندگانی نداشته باشند یا در آن مسئله به‌خصوص فاقد نماینده باشند. به این ترتیب، تفکرات حاکم و غالب بر جامعه به‌مرور و از طریق تربیت در

1. Naomi, 2001: 52.

اجتماع بر تفکرات و گرایش‌های افراد ساکن در آن جامعه وارد شده و بر تصمیمات، گاه به‌طور ناخودآگاه مؤثرند، مانند نگاه همراه با ترحم نسبت به کودک یا همراه با احترام نسبت به افراد مسن براساس آموزه‌های فرهنگی و تربیتی در یک جامعه.

از قوانینی که تحت تأثیر گفتمان فرهنگی و مطالبات آن در ایران به تصویب رسیده قانون «ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره»، مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ است. براساس گفتگوهای صورت گرفته حول این قانون، یکی از دغدغه‌های صیانت از مرزهای فرهنگی و پیشگیری از القای فرهنگ بیگانه است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳/۶/۲۹). همان‌طور که در بند «ب» ماده (۹) این قانون نیز به‌صراحت بیان شده است، به‌منظور مقابله با تهاجم فرهنگی، بودجه لازم در اختیار نهادهای متولی قرار می‌گیرد. زبان بیان این دغدغه، بازیگران گفتمان سیاسی یعنی نمایندگان مجلس بودند که بخشی از مطالبه آنها و تلقی آنها ناشی از باورهایی است که طی زمان و زندگی و اجتماع‌پذیری در کشور ایران آنان را به چنین بیاناتی رهنمون کرده است.^۱

به‌واقع، این گفتمان به‌تدریج و با زندگی در اجتماع به‌گونه‌ای در شیوه اندیشیدن افراد تأثیرگذار است و به این طریق به بدنه سایر گفتمان‌ها ورود می‌کند و می‌تواند در گزینش گفتمان‌های دیگر نقش مهمی ایفا کند. فرهنگ، زمینه‌ای است که در بستر آن زندگی اجتماعی معنا می‌یابد، از این جهت، تأثیر آن به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی روانی اشخاص تأثیرگذار است. هرچند گفتمان فرهنگی رابطه تنگاتنگی با دو گفتمان اجتماعی و مذهبی پیدا می‌کند و گاه جدایی آنها، به‌ویژه هنگامی که گفتمان مذهبی به بخشی از فرهنگ جامعه تبدیل شده باشد، دشوار است.

از تأثیرات مهم این گفتمان در فرایند قانونگذاری معنابخشی به قوانین مصوب و حتی مطالبات سایر گفتمان‌هاست؛ چراکه حقوق نیز به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی به‌طور گریزناپذیری به حوزه‌های تاریخی جامعه میزبان وابسته است. به هیچ‌عنوان نمی‌توان نظام

۱. در پرونده‌ای در آمریکا (Bowers V. Hardwick) یکی از قضات اعلام کرد، اگرچه قانون اساسی فدرال هم‌جنس‌گرایی مردان را ممنوع نکرده است، اما این ممنوعیت به‌طور عمیقی ریشه در تاریخ و سنت ملی این کشور دارد (International Commission of Jurists, 2009: 14).

حقوقی را از فرهنگ حقوقی که از طریق آن فهمیده می‌شود، جدا کرد.^۱ اگرچه، حقوق به‌ظاهر مستقل و منطقی جلوه می‌کند، اما هرگز از روایت‌هایی که به آن معنا می‌بخشند، رها نمی‌شود و هیچ نهاد یا دستورالعمل حقوقی جدای از روایت‌های مکانی که باید در آن اجرا شوند و به آن معنا بخشند، قابل تصور نیست.^۲ در واقع، ایجاد معنای حقوقی، از طریق واسطه‌های فرهنگی دریافت می‌شود. این موضوع در خصوص قوانین کیفی که تمام عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد، نمود بارزتری می‌یابد.

در نتیجه، فرهنگ و گفتمان مربوط به آن افزون بر اینکه در برخی حوزه‌ها به‌طور مستقیم از طریق مطالبات بازیگران سیاسی وارد دستور کار سیاسی می‌شود، بر جریان قانونگذاری نیز تأثیرگذار است و به‌صورت گفتمانی زمینه‌ای به‌طور ناخودآگاه از طریق زندگی در جامعه و تربیت در خانواده به این فرایند تزریق می‌شود. همچنین، این گفتمان رابطی برای فهم آن چیزی است که در بیان قانونگذار هنجارنگاری شده است. به این معنا که افراد مفاهیم مورد نظر مقنن را تحت تأثیر فرهنگ جامعه درک و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.

در کنار گفتمان فرهنگی عامل دیگری که در ایجاد چنین زمینه‌هایی مؤثر است، اجتماعی است که بازیگران مختلف در آن زندگی می‌کنند و بناست قانون در آن ظرف اجرا شود. به این ترتیب، در کنار گفتمان فرهنگی، گفتمان اجتماعی نیز زمینه‌های وضع قانون را فراهم می‌کند.

۲-۲. گفتمان اجتماعی: پاسداشت ارزش‌ها

قوانین با توجه به ارتباطات اجتماعی و خواست اجتماع وضع می‌شوند و ارتباط تنگاتنگی با آنها دارند. واضعان قانون نیز از این ارتباط غافل نیستند. اجتماع، ظرفی برای پدیده‌های اجتماعی چون قوانین محسوب می‌شود و تدبیر و عقلانیت اجتماعی، میزانی برای حرکت کنشگران این عرصه است.

چنانچه اجتماع، مجموعه‌ای از ارزش‌های به هم پیوسته مقابله‌به‌مثل، تقابل، ارتباط،

1. Oslon, 2014: 8.

2. Cover, 1983: 4-5.

مراقبت و اشتراک تلقی شود، گفتمان‌های ناشی از آن نیز بافت و خیز^۱ بین نقاط رسمی و ایدئولوژیکی توصیف می‌شوند که بر معنای این گفتمان‌ها تأثیر می‌گذارند.^۲ واضعان قانون نیز تحت تأثیر ایدئولوژی و راهبردهای خود نسبت به ارتباطات اجتماعی دست به تصمیم‌گیری می‌زنند.^۳ از این رو، گفتمان اجتماعی تبلور باورها و ارزش‌های مطلوب یک جامعه است.

اثرگذاری و قدرت این گفتمان شاید بیش از آنکه منشأ اثری برای ایجاد قانون باشد، قضائوتی است که پس از تصویب و اجرایی شدن آن می‌تواند ایجاد کند. تا جایی که به اعتقاد پیروان مکتب تحقیقی اجتماعی، برای یافتن قواعد حقوق زنده باید رخدادهای اجتماعی را بررسی کرد و از داوری اجتماعی غافل نبود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۹)؛ زیرا فشار اجتماعی بیش از هر نیروی دیگری می‌تواند اجرای ضوابط مختلف را تضمین کند (صانعی، ۱۳۸۹: ۶۲). این گفتمان در واقع، به نوعی نشان از مواضع اکثریتی دارد که قانون قرار است در ظرف آن اجرا شود. به این ترتیب، گفتمان اجتماعی قدرت بالایی برای ارزیابی قوانین دارد. از این جهت در هنگام تصویب قانون، سعی می‌شود تا به کنشگران این گفتمان و خواسته‌های آنها توجه شود تا قضاوت‌های سخت‌گیرانه پس از تصویب یک قانون به راحتی شکل نگیرد.

گفتمان اجتماعی تا حد بسیاری به ساختارهای اجتماعی سنتی جامعه هدف بازمی‌گردد؛ زیرا این ساختارها به این گفتمان شکل می‌دهند. به این ترتیب، در مواردی که ارزش‌ها و بنیان‌های اجتماعی در معرض خطر و چالش جدی قرار گیرند، ناخودآگاه این گفتمان سر از تخم بیرون آورده و اعلام وجود می‌کند. از این رو، خواسته‌های این گفتمان رابطه مستقیمی با بحران ارزش در جامعه دارد؛ به ویژه هنگامی که این بحران ساختارها و ارزش‌های بنیادین اجتماع را هدف قرار داده باشد و تهدید کند.^۴ از آنجا که کارکردهای اساسی قوانین کیفی حمایت و پاسداری از ارزش‌های اجتماع است، در موارد نقض یا تهدید این ارزش‌ها،

1. Slippage

2. Lacey and Zedner, 1995: 302.

3. Bankalar and Minerva, 2006: 9-10.

۴. همان‌طور که نابودی کشاورزی خانوادگی به عنوان تهدید ایدئولوژیکی نسبت به ارزش‌های بنیادین جامعه سنتی

آمریکایی، منشأ اثر اتخاذ سیاست‌های کشاورزی در راستای تقویت این امر در سال ۱۹۳۳ توسط دولت تلقی می‌شود

(Dixon and Hapke, 2003: 146).

گفتمان اجتماعی شاید بیش از سایر گفتمان‌ها با تأثیرگذاری بر فرایند قانونگذاری کیفی و بازیگران آن در صدد رفع تهدید و بازیابی ارزش‌های مخدوش شده برمی‌آید.

به این ترتیب، با توجه به فراخی عرصه‌های موضوع این گفتمان که به نوعی عرصه‌های اصلی اجتماع مانند، آموزش، خانواده و حتی سلامت و ... را دربرمی‌گیرد، این ادعا چندان دور از واقع نیست که کنشگران این گفتمان می‌توانند نقش بسیاری در شکل‌گیری قوانین مختلف داشته باشند. از جمله قوانین کیفی که نقش گفتمان اجتماعی در آنها بسیار پررنگ است، قوانینی است که در برابر آسیب‌های اجتماعی سر برمی‌آورد. نگاهی به مذاکرات حول محور چنین قوانینی نشان می‌دهد که رویکرد برخی از نمایندگان رسمی گفتمان اجتماعی چون سازمان‌های تأمین اجتماعی و نیز بهزیستی بر این فرایند مؤثر بوده است.

از قوانینی که در این حوزه به تصویب رسیده و روح اصل (۲۹) قانون اساسی در آن دمیده شده است، «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ است که در راستای تکالیف مندرج در «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۳۷۹ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. براساس ماده نخست این قانون، از اهداف وضع آن «حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی و ... و پیامدهای آن» است. این قانون اگرچه به جرم‌انگاری و کیفی‌گذاری نپرداخته است، اما با حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، به یکی از مهمترین عرصه‌های حقوق کیفی، یعنی انواع پیشگیری، توجه داشته و از این منظر سند بااهمیتی در سیاست جنایی ایران محسوب می‌شود. همان‌طور که در مذاکراتی که برای تصویب این لایحه و جهت اصلاح ایرادهای شورای نگهبان گرفته بود، نمایندگان، هدف از طرح آن را ایجاد عدالت اجتماعی و تحقق تأمین اجتماعی بیان کرده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۸/۲۱: ۲۵) و با اصلاحاتی که به خروج برخی از اقشار آسیب‌پذیر از این قانون منجر می‌شدند، مخالف بودند. به علاوه، تأکیدات بر این بود که هر تغییر یا اصلاحی در این قانون باید با نگاه کمک به اقشار فقیر جامعه صورت گیرد (همان، ۱۳۸۳/۱/۲۵: ۲۲-۲۰). فلسفه طرح «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ نیز، رفع مشکلات مردم و گامی در این جهت معرفی شد (همان، ۱۳۸۳/۲/۱۳: ۲۶). در این

عرصه نیز باز مطالبات گفتمان اجتماعی از طریق بازیگران گفتمان سیاسی وارد دستور کار شد. گفتمان اجتماعی در مقایسه با سایر گفتمان‌ها نقش بی‌بدیلی در مرحله اجرای قانون دارد. یک قانونگذار خردمند در هنگام وضع قانون علاوه بر وضع آن به مرحله اجرا نیز توجه می‌کند. عدم توجه به مطالبات گفتمان اجتماعی و تصویب قانونی بدون لحاظ آنچه این گفتمان در پی آن است، به راحتی می‌تواند در مرحله اجرا، قانون را از اثر بیندازد. در واقع، همگامی با خواسته‌های گفتمان اجتماعی و دادن جایگاه مناسبی در چانه‌زنی‌ها به نمایندگان آن یا بیان مطالبات آنها از طریق بازیگران سیاسی، می‌تواند عامل مناسبی برای افزایش کارایی و اثربخشی قوانین باشد. به علاوه، این گفتمان می‌تواند به سایر گفتمان‌ها قدرت دهد. به این ترتیب، بیش از اینکه خود نماینده مستقلی داشته باشد، موجب مشروعیت بخشی به گفتمان‌های موجود می‌شود. البته نباید از این نکته نیز غافل بود که این گفتمان بمانند گفتمان فرهنگی، به طور ناخودآگاه بر بازیگران سایر گفتمان‌ها تأثیر گذار است.

نگاهی به جوامع نشان می‌دهد که ساختارها و عوامل مختلف، اجتماعات را شکل می‌دهند و به روابط درون آن معنا می‌بخشند. از قوی‌ترین این عوامل دین است که در کنار فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی سنتی بستر ظهور و بروز سایر گفتمان‌ها را فراهم می‌کند.

۲-۳. گفتمان دینی: پاسداشت معنویات

مذهب از مهمترین نیروهای سازنده حقوق است و نمی‌توان اثر عقاید مذهبی بر ایجاد و شکل‌گیری قوانین و مقررات را انکار کرد. البته، اهمیت گفتمان دینی در فرایند قانونگذاری و میزان تأثیر آن، به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشورها و توجه یا عدم توجه آنها به عامل مذهب بستگی دارد. به این ترتیب که میزان نفوذ این گفتمان در کشورهایی چون ایران و اتریکان قابل مقایسه با سایر کشورها نیست. در چنین کشورهایی دغدغه‌های دینی و مذهبی همواره بر مبارزات گفتمانی سیطره دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۳ و ۶۲؛ صانعی، ۱۳۸۹: ۲۲). به ویژه آنکه آموزه‌های دینی در ایران با توجه به ساختار تعریف شده برای آن به شدت با ساختار سیاسی در هم تنیده شده است. تا جایی که گاه بازیگران سیاسی خود را نماینده این گفتمان می‌دانند.

البته این گفتمان نیز مانند گفتمان فرهنگی گاه به طور کاملاً نامحسوسی می‌تواند در

گفتمان‌هایی که گزینش می‌شود یا در میان گفتمان‌های رقیب اولویت پیدا می‌کند، نقش آفرین باشد. حتی در کشورهای دین‌جدا نیز، به دلیل اهمیت آن در جامعه، نمی‌توان از تأثیر آن چشم‌پوشی کرد. همان‌طور که در آمریکا بسیاری از رئیس‌جمهورها خود را انسان‌های مذهبی معرفی می‌کنند و به گفته جورج واشنگتن،^۱ ارجاعات دینی^۲ یکی از عناصر مشترک در ادبیات رؤسای جمهور آمریکاست.^۳ از این رو مشاهده شده است که در برخی موارد، مانند وضع قانون در خصوص پیمان ازدواج، طرفداران این مقوله در برخی از ایالت‌های آمریکا پیش از تصویب آن و در مرحله تنظیم پیش‌نویس، به دنبال کسب پشتیبانی و تأیید برخی از رهبران مذهبی بودند.^۴

به این ترتیب، گاهی دین به گفته برخی از اندیشمندان این حوزه به‌عنوان یکی از تنظیم‌کنندگان رفتار، موازی با قانون قرار می‌گیرد.^۵ و گاه حقوق به‌عنوان وسیله نقلیه‌ای است که بیانگر مواضع دین است.^۶ نقش آفرینی این گفتمان به‌ویژه هنگامی در جوامعی بروز بیشتری می‌یابد که بسیاری از ارزش‌ها و آداب و رسوم جامعه بر مبنای ایدئولوژی‌های دینی استوارند. این امر موجب می‌شود که بعضی گزاره‌های مطرح از سوی برخی گفتمان‌ها با مقاومت جدی نمایندگان این گفتمان مواجه شود.^۷

جای پای محکم این گفتمان در قوانین جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» دید که در راستای تحقق دعوت به خیر عمومی و انجام تکلیف مقرر در اصل هشتم قانون اساسی و وقایع پیش آمده، صورت گرفت.

1. George Washington

2. Religious Referents

3. Coe and Domke, 2006: 311.

4. Cynthia, 2003: 427.

5. Cipriani, 2002: 17.

6. Johnson and Vanderbeck, 2014: 2.

۷. از مثال‌های شایع در کشورهای غربی چالش‌هایی بود که در مسیر آزادسازی روابط جنسی و به‌ویژه روابط هم‌جنس‌گرایان و مسائل مربوط به آنان میان گفتمان دینی و سایر گفتمان‌ها رخ داد. به‌ویژه آنکه تمامی ادیان رویکرد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به هم‌جنس‌گرایی اتخاذ کرده‌اند و همین امر قانونمند شدن این رفتار را در کشورهایی که اکنون در آن رایج شده است، به تأخیر انداخت. حتی برخی از گروه‌ها در این کشورها، برای اینکه بتوانند با آزادسازی و مشروع‌سازی این پدیده مقابله کنند، به حمایت یا تهدید از سوی مقامات مذهبی عمومی دل‌بسته بودند؛ به‌منظور مشاهده این جریان‌ها و چگونگی تقابل گفتمان دینی در خصوص این موضوع رک:.

آنچه از گفتگوهای صورت گرفته در خصوص این جریان قابل فهم است، پشتیبانی گروه‌های مذهبی مختلف در جهت تحقق این قانون است. موافقان این قانون، آن را ضامن حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌دانند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳/۸/۴).

به‌طور معمول، گفتمان مذهبی در موضوعاتی که سابقه دینی در آن خصوص وجود دارد و میزان حساسیت نسبت به آن بیشتر است، تأثیر بیشتری بر فرایند قانونگذاری کیفری دارد. البته فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و حتی میزان تقید مردم کشور به دین و آموزه‌های آن می‌تواند بر قدرت یافتن این گفتمان مؤثر واقع شود و برعکس. در ایران به‌عنوان کشوری که مذهب از ساختارهای اساسی آن است و رکن رکن قانون اساسی محسوب می‌شود، گفتمان مذهبی و نمایندگان و کسانی که به نمایندگی از این گفتمان و در راستای آموزه‌های آن گام برمی‌دارند، تأثیر بسیاری بر تصویب یا رد یک قانون به‌جای خواهند گذاشت. همان‌طور که در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵، به اهمیت اصل برائت در دین مبین اسلام و نیز توجه به تأکید حضرت امیر (ع) مبنی بر احتیاط در عدم گرفتاری فرد بی‌گناهی به‌عنوان گناهکار و اهمیت آن اشاره کرده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۱۵: ۲۴-۲۳).

علاوه بر این، وجود شورای نگهبان موجب می‌شود که گفتمان دینی دارای بازیگرانی قدرتمند شود که موظفند تمامی قوانین مصوب مجلس را از لحاظ عدم مغایرت با شرع بررسی کنند.^۱ از این رو، اگرچه در مراحل آغازین و ورود مسئله به دستور کار، بازیگران گفتمان سیاسی این مهم را برعهده دارند، اما در مراحل پایانی فرایند قانونگذاری در ایران، نمایندگان گفتمان دینی در هیئت شورای نگهبان حضور پررنگی دارند که شاید بتوان آن را در کشورهای مذهبی، بیش از یک گفتمان زمینه‌ای تلقی کرد.

۱. اصل (۴) قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.»

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وضع قوانین کیفی در راستای تأمین اهدافی است که مدنظر مبتکران آن بوده است. این قانون به نوعی بیانیه‌ای است به‌منظور برخورد با رفتارهایی که خارج از خواست جامعه بروز کرده و با پیش‌بینی ضمانت‌اجراهایی رنگ هشدار به‌خود می‌گیرد و سعی دارد تا جلوه‌های نقض ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را عینیت و واقعیت بخشد. هدف دیگر آن بیان محدودیت‌ها و گاه ارزش‌های جدید است. در واقع، قانون کیفی محدوده‌های مجاز و غیرمجاز عمل افراد جامعه را نسبت به یکدیگر یا نسبت به جامعه مشخص می‌کند. این قانون نشان می‌دهد که افراد در کدام عرصه‌ها آزادند و در کدام موارد این حق از آنها سلب شده است.

اما به‌منظور ایجاد قانون، مراحل طی می‌شود که از آن به فرایند ایجاد قانون، شکل‌گیری قانون و گاه تولد قانون تعبیر می‌شود. گفتمان‌های کلان موجود در این فرایند را می‌توان در دو دسته گفتمان اصلی (خط مقدم) و زمینه‌ای قرار داد؛ گفتمان‌های اصلی عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی و اقتصادی و گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز ذیل گفتمان زمینه‌ای قرار می‌گیرند. هر یک از اینها به فراخور توان خود می‌توانند در این فرایند شرکت داشته و تأثیرگذار باشند. شناسایی گفتمان‌های کلان چندان دشوار نیست؛ زیرا همواره وجود دارند و ارکان اصلی یک حکومت و کشور را تشکیل می‌دهند که می‌توان از آنها به عرصه‌های کلان نیز تعبیر و ردپای آنها را در ساختارهای رسمی و نهادی نیز مشاهده کرد.

قانونی که به تصویب می‌رسد حاصل رویارویی این گفتمان‌ها با یکدیگر است. آنچه که این گفتمان‌ها را در این مسیر رو در روی هم قرار می‌دهد و زمینه چانه‌زنی‌ها را فراهم می‌کند، تعارض منافع است که نمایندگان آنها را به‌عنوان کنشگران این عرصه به این میدان فرامی‌خوانند. همان‌طور که جرمی بنتام نیز نفع‌طلبی را انگیزه اصلی فعالیت‌های بشری معرفی می‌کرد. امری که ایرینگ را به مطالعه درخصوص چگونگی سازش میان منافع مخالف و امی داشت (صانعی، ۱۳۸۹: ۵۳ و ۵۶). در کنار تعارض منافع، تفاوت در دغدغه‌ها نیز می‌تواند منجر به رو در رو شدن گفتمان‌های گوناگون از یک جنس یا

جنس‌های متفاوت با هم شود و به نظر می‌رسد در این بین، پیروزی از آن گفتمان است که از قدرت چانه‌زنی و اقناع‌گری بیشتری برخوردار باشد.

این گفتمان‌ها به شیوه‌های مختلفی در فرایند ایجاد قانون مؤثرند. آنها علاوه بر اینکه می‌توانند منشأ ایجاد و مبتکر یک قانون کیفری باشند، گاه بر وصف یا تغییر وصف رفتارهای مندرج در آن نیز تأثیر گذارند. همچنین، در کنار پیش‌بینی نوع رفتار بر کیفیت و چگونگی پاسخ‌های تعبیه شده برای آنها نیز اثر گذارند؛ زیرا تغییرات رخ داده در ساختارهای اجتماع، بازیگران را به سمت پذیرش اشکال خاصی از پاسخ‌های کیفری سوق می‌دهد.

به‌طور کلی، تأثیر گفتمان‌ها در ایجاد قانون را می‌توان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بررسی کرد. در تأثیر مستقیم، نمایندگان این گفتمان‌ها خود در فرایند مذاکرات شرکت کرده و دارای کرسی در مذاکرات هستند. اما در تأثیر غیرمستقیم به صورت‌های مختلفی این نقش را ایفا می‌کنند که عبارت است از:

۱. **نقش گفتمان‌پروری و گفتمان‌سازی:** برخی از گفتمان‌ها به‌ویژه گفتمان‌هایی چون گفتمان اجتماعی موجب پیدایش و شکل‌گیری گفتمان‌های نوینی در عرصه قانونگذاری می‌شوند. در واقع، فعل و انفعالاتی که در برخی گفتمان‌ها انجام می‌شود، می‌تواند زمینه‌های بروز و ظهور گفتمان‌های دیگری را فراهم آورد.

۲. **مشروعیت‌بخشی به سایر گفتمان‌ها:** آنها برای آنکه بتوانند موجودیت یافته و در این فرایند مداخله داشته باشند، پیش از آن باید مشروعیت یابند. از این رو، گفتمانی چون گفتمان دینی یا اجتماعی که سایر گفتمان‌ها در چانه‌زنی‌های خود به باورها و نظرهای آن استناد می‌کنند، این نقش را به خوبی ایفا می‌کند.

۳. **پشتیبانی از سایر گفتمان‌ها:** گاه برخی از گفتمان‌ها در برخی از فرایندها خود به‌عنوان گفتمان مستقلی ظاهر نمی‌شوند، بلکه به پشتیبانی از گفتمان خاصی می‌پردازند و از این طریق آن را قوت می‌بخشند و در این راستا، با توجه به میزان قدرتی که دارند، می‌توانند توازن قدرت را در مذاکرات به سمت گفتمان مورد نظر خود بر هم زنند.

۴. **معنابخشی به سایر گفتمان‌ها:** برخی از گفتمان‌ها مانند گفتمان‌های فرهنگی به‌دلیل اینکه از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف ناشی می‌شوند، به عملکردها و

رویکردهای اتخاذ شده از سوی دیگران معنا می‌بخشند. با توجه به اینکه درک روابط میان مناسبات اجتماعی و قانونگذاری به‌عنوان یکی از شئون آن، تا حد بسیاری به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر مربوط می‌شود. از این جهت، این گفتمان‌ها و نمایندگان آنها در القای مفاهیم ناشی از قوانین مختلف و نیز مباحث گفتمانی دیگران نقش مهمی ایفا می‌کنند که می‌توان از آن تعبیر به معنابخشی سایر گفتمان‌ها کرد.

به این ترتیب، گفتمان‌ها با توجه به نقش مستقیم و غیرمستقیمی که برعهده دارند و نیز عملکرد و تأثیری که در فرایند قانونگذاری کیفی برجای می‌گذارند، به گفتمان‌های اصلی (خط مقدم) و زمینه‌ای (گفتمان‌های در سایه) دسته‌بندی می‌شوند.

منابع و مآخذ

۱. اصطباری، امیرحسین (۱۳۸۶). «تاچریسم، بلریسم و راه سوم»، نشریه شهروند، ش. ۶. [http://www.ensani.ir/](http://www.ensani.ir/fa/content/45106/default.aspx)
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) ۱۳۹۳/۸/۴، «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ موافقان و مخالفان»، کد خبر (۴۳۰۶۷۸۹) ۸۱۳۶۵۱۵، آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶. <http://www8.irna.ir/fa/News/81363515>
۳. صانعی، پرویز (۱۳۸۹). *حقوق و اجتماع: رابطه حقوق و عوامل اجتماعی و روانی*، چاپ دوم، تهران، طرح نو.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ یکصدم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳/۲/۱۳). دوره ششم، جلسه (۴۲۲)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۶۲.
۶. _____ (۱۳۸۳/۲/۱۵). دوره ششم، جلسه (۴۲۳)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۶۳.
۷. _____ (۱۳۸۲/۸/۲۱). دوره ششم، جلسه (۳۷۴)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۱۱۳.
۸. _____ (۱۳۸۳/۱/۲۵). دوره ششم، جلسه (۴۱۲)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۳۰.
۹. _____ (۱۳۸۱/۹/۲۵). دوره ششم، جلسه (۲۷۶)، روزنامه رسمی، ش ۱۶۸۶۳.
۱۰. _____ (۱۳۷۳/۶/۲۹). دوره چهارم، جلسه (۲۵۴)، روزنامه رسمی، ش ۱۴۴۴۹.
۱۱. هژبرالساداتی، هانیه و محمدجعفر حبیبزاده (۱۳۹۳). «عدالت اجتماعی و عدالت کیفری؛ جدایی یا پیوند»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۸.
12. Bankalar, Caddesi and Han Minerva (2006). *The Spirit of the Police Laws in Turkey: Legislative Discourses, Instruments and Mentality*, TESEV (Turkish Economic and Social Studies Foundation) Democratization Program Policy Report Series: Security Sector 5 Report Summary; Available at: www.tesev.org.tr.
13. Blyth, Mark (2012). "Paradigms and Paradox: The Politics of Economic Ideas in Two Moments of Crisis", *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, Vol. 26, Issue 2, Article first Published online: 19 NOV 2012. DOI: 10.1111/gove.
14. Burchianti, Flora and Richard Zapata-Barrero (2013). *Applying Tolerance Indicators: Assessing Tolerant and Intolerant Discourses and Practices in Political Life*, Accept Pluralism Research Project, European Commission

- (European Research Area), Seventh Framework Programme Social Sciences and Humanities, Published by: European University Institute.
15. Cipriani, Andréia Cristina (2002). *Power in Religious Discourse: a Discourse Analysis of Two Sermons From the Universal Church of the Kingdom of God*, Florianópolis, Universidade Federal de Santa Catarina, Mestre em Letras.
 16. Coe, Kevin and David Domke (2006), "Petitioners or Prophets? Presidential Discourse, God, and the Ascendancy of Religious Conservatives", *Journal of Communication, International Communication Association*, No.56.
 17. Cover, Robert M. (1983). "The Supreme Court, 1982 Term - Foreword: Nomos and Narrative" Faculty Scholarship Series. Paper 2705; http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/2705.
 18. Crepault, Daniel (2013). *Safe Streets and Communities? Public Discourses on a Canadian "Tough-on-Crime" Legislation*, A thesis Submitted to the Faculty of Graduate and Postdoctoral Affairs in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts, in Legal Studies, Carlton University, Ottawa, Ontario.
 19. Cynthia, De Simone (2003). *Covenant Marriage Legislation: How the Absence of Interfaith Religious Discourse Has Stifled the Effort to Strengthen Marriage*, 52 Cath. U. L. Rev.
 20. Dixon, Deborah P. and Holly M. Hapke (2003). "Cultivating Discourse: The Social Construction of Agricultural Legislation", *Annals of the Association of American Geographers*, 93(1).
 21. Garland, David (1996). "The Limits of the Sovereign State: Strategies of Crime Control in Contemporary Society", *The British Journal of Criminology*, Vol.36, No.4.
 22. Hall, Petter A. (1993). "Policy Paradigms, Social Learning and the State: The Case of Economic Policy-Making in Britain", *Comparative Politics*, Vol. 25, No.3, Available at: <http://scholarship.law.edu/lawreview/vol52/iss2/7>.
 23. Ilie, Cornelia (2006). Parliamentary Discourses. In: Keith Brown (ed.) *Encyclopedia of Language and Linguistics* 2nd Edition, Vol. 9, Oxford, Elsevier.
 24. International Commission of Jurists (2009). *Sexual Orientation, Gender Identity and International Human Rights Law*, Practitioners Guide No.4, Geneva.
 25. Ismaili, Karim (2006). "Contextualizing the Criminal Justice Policy-Making Process", *Criminal Justice Policy Review*, Vol.17, No.3.
 26. Jaworski, Adam (2006). Coupland, Nikolas (ed.), *The Discourse Reader*, Second Edition, Routledge, New Yourk (USA).
 27. Johnson, Paul and Robert M. Vanderbeck (2014). *Law, Religion and Homosexuality*, New York, Routledge, First Published.
 28. Jones, Trevor and Tim Newburn (2002). "Policy Convergence and Crime Control in the USA and the UK: Streams of Influence and Levels of Impact", *Criminal Justice Journal*, Sage Publication, Vol.2, No.2.

29. Lacey, Nicola and Lucia Zedner (1995). "Discourses of Community in Criminal Justice", *Journal of Law and Society*, Vol. 22, No. 3, <http://www.jstor.org/stable/1410584>.
30. Law Drafting and Legislative Process in the Republic of Serbia, an Assessment, Warsaw (30 December, 2011). Legis Paper-Nr.: 200/2011 YA; at www.legislationline.org.
31. Naomi, Mezey (2001). "Law as Culture", *Yale Journal of Law & the Humanities*, Vol. 13:35.
32. Oslon, Greta (2014). *Narration and Narrative in Legal Discourse*, Published on the Living Handbook of Narratology: <https://www.lhn.uni-hamburg.de>.
33. Parisi, Francesco and Vincy Fon (2009). *The Economics of Lawmaking*, New Yourk, Oxford University Press.
34. Solomon, Peter H. (1981). "The Policy Process in Canadian Criminal Justice: A Perspective and Research Agenda", *Canadian J. Criminology*, 23, 5.
35. _____ (2014). "The Making of Criminal Law in Russia and the West: the Policy Process, Administration, and the Role of Experts", *Public Administration Issues*, Special Issue.
36. Tesemma, Shimelis Tsegaye (2014). *Economic Discourses of Disability in Africa: an Overview of Lay and Legislative Narratives*, in: African Disability Rights Yearbook.
37. <http://www.historyofparliamentonline.org/periods/tudors/elizabethan-social-and-economic-legislation>.